اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت یکصد و چهل و نهم)

مسخ (بخش ۳)

استایل زندگی

در قسمتهای قبل (۱ و ۲) در مورد مسخ نوشته شد. گفته شد که یک سری خصوصیات ذاتی خوک، زشت و بد است. البته خدا خوک را اینطوری آفریده است و در عین حال گوشت آن را حرام اعلام فرموده است تا شرایط و جزئیات پاکیزگی در تغذیه را بطور عملی و علمی به انسانها بفهماند. وقتی خدا گوشت خوک را حرام میکند؛ منظورش توضیح یک اصل مهم است و آن این است که آن قادر حکیم میخواهد ما را متوجه نکاتی در سبک و استایل تغذیه سالم کند. خدای رحمان رحیم میفرمایند که بعضی انسانها را به میمون مسخ میکند. یعنی آنها از نظر رفتاری شبیه میمون میشوند و رفتارهای زشت میمون را به خود می گیرند، اما وقتی می فرماید که بعضی انسانها

را به خوک مسخ میکند؛ یعنی آنها از نظر خاصیت جسمانی و تغذیه شبیه خوک میشوند و خصوصیات زشت تغذیه و جسمی خوک را به خود می گیرند. پس این پیام مهمی برای همه ماست، تا که رفتارهای زشت خوک و میمون را بشناسیم و از آنها دوری کنیم و سبک و استایل زندگی خود را تعدیل سازیم. یک مسلمان در احکام نازل شده از طرف خدا، چون و چرا نمی کند و آن را اجرا میکند؛ حتی اگر دلیلش را هم نداند؛ او تسلیم پروردگار خویش است. وقتی تسلیم پروردگار باشیم، زندگی خیلی راحتتری خواهیم داشت.

۱. گوشت خوک قابل سرخ کردن نیست و اگر زیاد روی آتش بماند، بمرور آب میشود و چیزی از آن نمی ماند و این بخاطر این است که قسمت اعظم گوشت خوک از چربی تشکیل شده است. گوشت گاو هم چربی دارد ولی به نسبت گوشت خوک خیلی کمتر است. این نکته ثابت میکند که چربی زیاد مضر است و هر چیزی باید درحد معتدل باشد. در گوشت خوک چنین اعتدالی وجود ندارد.

۲. خوک ها کثیف خور هستند حتی ادرار و مدفوع خود را هم میخورند. جسد مرده گندیده فرزندان و هم نوعان خود را هم میخورند. پاکیزه خوردن اصل مهم قرآنی است. مشروبات الکلی پاکیزه نیستند و حاصل میوه های خیلی گندیده است. مایعات گندیده و غذاهای گندیده خوردن یک صفت خوکی است. خدا می فرماید گوشت خوک ، مردار و خون حرام است؛ اما جالب است که خود خوک همه اینها

را میخورد و به آن علاقه شدیدی دارد. خدای حکیم بر خوردن نعمتهای پاکیزه اصرار دارد که خوک برعکس این ویژگی را دارد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿۱۷۲﴾
ای کسانی که ایمان آورده اید از نعمتهای پاکیزه ای که روزی شما کرده ایم بخورید و اگر تنها او را می پرستید خدا را شکر کنید (۱۷۲)

۳. کرم ها و میکروبهای زیادی در گوشت خوک هست که خیلی از آنها با حرارت هم از بین نمی روند. چیزی که با حرارت هم از بین نرود، یعنی شرایط عادی ندارد و اصلا برای طعام مناسب نیست. آتش خاصیت پاک کنندگی دارد. آب و خاک و آتش هر سه خاصیت پاک کنندگی دارند. آتش برای مرحله نهایی استفاده میشود. گوشت خوک در بیشتر مواقع با هیچکدام از اینها پاک نمیشود.

۴. خوک یک حیوان شلخته و حریص است. حتی مواردی پیش آمده است که خوکها صاحبشان را خورده اند. شلختگی و بی نظمی اصلا زیبا نیست. حتی یک شیر در سیرک به صاحبش وفادار است ولی خوک اینطوری نیست. خدا میخواهد به ما بفهماند که در پرورش حیوانات ، به پاکیزگی خود حیوان و محیط آن توجه شود تا گوشتی پاکیزه و مفید بدست آید.

۵. اکنون بشر خوک را اهلی کرده و برای تهیه گوشت، خوکها را پرورش میدهد. اما در خیلی از محیطهای پرورش خوک ، دندان بچه خوکها را از همان اول می کشند

تا همدیگر را گاز نگیرند و همچنین دم آنها را می برند تا دم همدیگر را گاز نگیرند و محیط خونی نشود. آنها برای کشتن میکروبهای داخل بدن خوک، انواع آمپولها و داروها و آنتی بیوتیک ها را به خوک میدهند و همین داروهای شیمیایی به داخل بدن مصرف کننده میرود و سیستم ایمنی بدن مصرف کننده را نابود میکند.

۶. خوک حس بویایی خیلی قویی دارد و هر چیزی را با پوزه اش بو میکشد. خوک غذاها را براساس بو انتحاب میکند و بوی بد و خوب برایش فرقی ندارد. گاهی میان انسانها هم بعضی غذاها شایع میشود که فقط مزه هستند. غذاهای ساده و بی مزه تر شاید مفید تر باشند ولی بشر بجایی رسیده و خواهد رسید که هر چیزی را براساس بو و مزه انتخاب میکند. غسلین یک نوع غذای جهنمی است که فقط مزه است و خاصیت دیگری ندارد. در جهنم، مزه ها و وابستگیهای دینایی افراد رو میشود.

توجه بیش از حد به مزه، باعث بی کیفیت خوری در تغذیه شده است و مردم چیزهای مفید و بی مزه کمتر استفاده میکنند و در عوض به مزه ها توجه زیادی دارند. چیپس تولید میکنند که فایده چندانی ندارد و فقط اسانس و مزه است. اینها بی کیفیت خوری است که جزو خواص تغذیه خوک است. افزودنیهای زیاد برای تغییر مزه، گاهی غذا را به یک چیز مضر تبدیل میکند.

۷. از آنجا که خوک نمی تواند سر خود را زیاد بچرخاند و تکان دهد، در سر او لخته های زیادی جمع میشود که موجب مشکلات زیادی برای خوک میشود. بی تحرکی

سر و گردن برای انسان هم مشکلات زیادی بوجود میاورد. خدا میخواهد که سبک درستی از تغذیه و نشستن و برخواستن و تحرکات عادی را به ما یاد دهد. گاهی آدمیان در خیالات فرو میروند و بدون تکان دادن اعضای بدن و سر و گردن خود؛ دچار آرتروز گردن میشوند.

۸. در قرآن کسانی که به طعامهای ساده و مسکینانه گرایش ندارند، سرزنش شده اند و حتی این خاصیت یکی از دلایل به جهنم رفتن است. اما در عوض در جهنم انواع غذاهایی که فقط مزه است در اختیار آنها قرار می گیرد تا که از مزه سیرِ سیر شوند. البته اینها واقعا اذیت کننده است. یک کیک تاحدی خوشمزه است که شیرینی آن معتدل باشد، اما اگر خیلی شیرین باشد، لذت بخش نیست و حتی عذاب آور است و زیر دل میزند.

وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿٣﴾

و به خوراك مسكينانه(با مزه هاى ساده تر) ترغيب نمى كند (٣)

۹. خوکهای نر با خوک نر و یا حتی حیوانات دیگر هم عمل جنسی انجام میدهند و برایشان فرقی ندارد. این خاصیت در میان انسانها هم رواج پیدا کرده است. انواع روشهای کثیف جنسی ابداع شده است که آدمی از ذکر آن شرمش میاید. ازدواج با سگ، گربه و هم جنسگرائی یکی از ابداعات بشر قرن بیستم است. بشر در جهالت مطلق دارد غرق میشود. این اعمال جزو صفات خوکی هستند.

۱۰. **درهم خوری از خصوصیات خوک است. این خاصیت اصلا جالب نیست. در میان انسانها هم گاهی یک مهمانی تشکیل میشود که چندین نوع غذا سرو میشود و درهم خوری میشود. شایسته است که انسان در یک وعده غذایی، یک نوع غذا بخورد و تمام. درهم خوری و پرخوری یک صفت خوکی است. مهمانیها باید ساده تر شود و یک نوع غذا بدون متعلقات سرو شود تا هزینه ها هم پایین بیاید. پرخوری از یک بُعد دیگر به درهم خوری هم معنا میشود. خیلی از بیماریهای گوارشی بخاطر درهم خوری پیش میایند. بعضی از افراد در این نوع مهمانیها، هم پرخوری میکنند و هم بخاطر رقابت با دیگران و چشم و هم چشمی، چندین نوع غذا درست میکنند که در این حالت هم صفت خوکی (پرخوری) به خود می گیرند و هم صفت میمونی (تقلید). حتی خود مهمانی ها هم در خیلی از موارد باز هم تقلیدی است و خیری در برگزاری آنها نیست.**

۱۱. **خدای مهربان حکیم در آیه قرآن می فرماید که افرادی را به میمون و خوک و بنده طاغوت تبدیل میکند. در ادامه می فرماید که اینها از راه راست منحرفند و مقام و منزلت شرّی دارند** (شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ).

قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَٰلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ ﴿۶۰﴾

بگو آیا شما را به بدتر از [صاحبان] این کیفر در پیشگاه خدا خبر دهم همانان که خدا لعنتشان کرده و بر آنان خشم گرفته و از آنان بوزینگان و خوکان پدید آورده و آنانکه طاغوت را پرستش کرده اند اینانند که از نظر منزلت بدتر و از راه راست گمراه ترند (۶۰)

در ادامه می فرماید همینها که به خوک و میمون و بنده طاغوت تبدیل شده اند، پیش تو می آیند ای رسول و به دروغ ادعای ایمان میکنند. همین آیه خود ثابت میکند که تبدیل افراد به خوک و یا میمون از نظر اخلاقی و خصوصیات جسمی بوده است و نه اینکه افراد به حیوان خوک و یا حیوان میمون تبدیل شده باشند. و گرنه افراد بعد از تبدیل به حیوان خوک و میمون، چطوری پیش پیامبر آمده و با او حرف زده اند.

وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ ﴿۶۱﴾

و چون نزد شما می آیند می گویند ایمان آوردیم در حالی که با کفر وارد شده و قطعا با همان [کفر] بیرون رفته اند و خدا به آنچه پنهان می داشتند داناتر است (۶۱)

۱۲. بنابراین انسان میتواند از نظر خصوصیات جسمی به چیزی شبیه خوک تبدیل شود. خدا به انسان هشدار میدهد که در خوک و موجودیت او مطالعه کنند و سعی کنند که سبک زندگی غلط را از خوک بدست آورند و آن را اسوه و الگوی خویش قرار ندهند. وقتی مقدار مواد موجود در گوشت خوک را مطالعه می کنیم، متوجه خواهیم شد که درصد و میزان چربی و اسید اوریک و کلسترول بد و انگلها و کرمهای داخل گوشت خوک بسیار زیاد است و فاصله زیادی با گوشتهای دیگر از

جمله گوشت گاو و گوسفند دارد و این خودش معیار مناسبی برای سنجش سلامتی و پاک بودن غذاهاست. یهودیان و مسلمانان خاورمیانه گوشت خوک مصرف نمی کنند. اما در جامعه مسیحی با آنکه در تورات صراحتا حرام بودن آن ذکر شده است، بسیار زیاد مصرف میشود. کلا جامعه مسیحیت یک جامعه شُل و وِل است و زیاد به دستورات خدای حکیم توجهی نمیکند. جوامع دیگر مثل چین ، بیش از نصف گوشت خوک جهان در آنجا تولید و مصرف میشود.

۱۳. اجازه ندهید هیچ روش و استایلی ، جایگاه استایل معرفی شده توسط خدا را بگیرد. روش و استایل تغذیه آنقدر مهم است که خدای مهربان بعد از حرام کردن گوشت خوک و مردار و باقی موارد، اعلام میدارد که (الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا = **امروز کافران (پوشانندگان واقعیتهای نظام رحمانی) از استایل و روش شما نا امید میشوند و با آن فاصله می گیرند. پس از آنها مترسید و از من بترسید. امروز دین و روش زندگیتان را برایتان کامل کردم و نعمتم را برای شما تمام کردم و اسلام را برای شما به عنوان دین و استایل زندگی برگزیدم).**

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَٰلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ

دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣﴾

بر شما حرام شده است مردار و خون و گوشت خوك و آنچه به نام غیر خدا کشته شده باشد و [حیوان حلال گوشت] خفه شده و به چوب مرده و از بلندی افتاده و به ضرب شاخ مرده و آنچه درنده از آن خورده باشد مگر آنچه را [که زنده دریافته و خود] سر ببرید و [همچنین] آنچه برای بتان سربریده شده و [نیز] قسمت کردن شما [چیزی را] به وسیله تیرهای قرعه این [کارها همه] نافرمانی [خدا]ست امروز کسانی که کافر شده اند از [کارشکنی در] دین شما نومید گردیده اند پس از ایشان مترسید و از من بترسید امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم و هر کس دچار گرسنگی شود بی‌آنکه به گناه متمایل باشد [اگر از آنچه منع شده است بخورد] بی تردید خدا آمرزنده مهربان است (۳)

روشها و استایلهایی از سبک زندگی غلط و روشهای غیر رحمانی، خودبخود به سبک غلطی از تغذیه خواهند رسید. کسانی که روشها و استایل نازل شده در قرآن را قبول ندارند، بعد از مدتی به سبک تغذیه از نوع خوکی خواهند رسید. آنها بدون آن که خود بدانند، پرخوری و بی کیفیت خوری و زیاده خوری و درهم خوری و کثیف خوری را بر می گزینند.

۱۴. خدای مهربان بعد از این آیه می فرماید که طعام اهل کتاب و همچنین ازدواج با اهل کتاب برای شما حلال است.

الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ

أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿۵﴾

امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده و طعام کسانی که اهل کتابند برای شما حلال و طعام شما برای آنان حلال است و [بر شما حلال است ازدواج با] زنان پاکدامن از مسلمان و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما کتاب [آسمانی] به آنان داده شده به شرط آنکه مهرهایشان را به ایشان بدهید در حالی که خود پاکدامن باشید نه زناکار و نه آنکه زنان را در پنهانی دوست خود بگیرید و هر کس در ایمان خود شك كند قطعا عملش تباه شده و در آخرت از زیانکاران است (۵)

این آیه نکته بسیار مهمی را در بر دارد. طعام و ازدواج را با هم ذکر می فرماید. اهل کتاب کسانی هستند که کتاب آسمانی دارند. در تمام این آئینها، گوشت خوک و مردار و خون و آنچه که برای غیر خدا ذبح شده باشد، حرام است. این ثابت میکند که سبک تغذیه و ازدواج بسیار به هم مرتبطند. یکی از زوجین که گوشت خوک میخورد و یا خوک واری زندگی میکند اما یکی دیگر از زوجین، گوشت خوک را حرام میداند و شبیه خوک زندگی نمیکند و پرخوری و کثیف خوری و درهم خوری نمی کند؛ این دو استایل زندگیشان به هم نمی خورد و نمی توانند با هم ادامه دهند. تفاوت این دو نوع سبک زندگی از زمین تا آسمان است. آنچه که خدا در مورد ازدواج به آن اهمیت میدهد، هماهنگی سبک و استایل زندگی است. به قول معروف، زوجین باید هم کفو و هم استایل باشند. دین به معنای سبک زندگی است که باید از وحی الهی گرفته شده باشد. آدمیان تا ابد نمی توانند برای هم فیلم بازی کنند، بلکه در جایی خسته میشوند و به اصل خویش بر میگردند و

همانی میشوند که در اصل بودند و آن موقع حادثه جدایی (لکم دینکم و لی دینی) اتفاق خواهد افتاد.

۱۵. برای مردمان یک جامعه و حتی زوجین، روزی این اتفاق می افتد. روز قیامت روزی است که سبک زندگی ها از هم جدا میشوند و به همین خاطر خدای حکیم آن را یوم الدین می نامد. کافرون کسانی هستند که روشها و استایلهای زندگی رحمانی را می پوشانند و آن را انکار میکنند. اما بالاخره یک روزی این جدایی ها اتفاق می افتد. روزی که استایلهای زندگی جدا میشوند و به همین خاطر به آن روز یوم الفصل هم گفته میشود.

عهدنامه جدایی سبکها و استایلها:

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ﴿١﴾ بگو ای کافران (۱)
لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾ آنچه می پرستید نمی پرستم (۲)
وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾ و آنچه می پرستم شما نمی پرستید (۳)
وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾ و نه آنچه پرستیدید من می پرستم (۴)
وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٥﴾ و نه آنچه می پرستم شما می پرستید (۵)
لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿٦﴾ دین شما برای خودتان و دین من برای خودم (۶)

جمله نهایی و پایانی تمام این دعواها این است :

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ

دین شما برای خودتان و دین من برای خودم
سبک زندگی شما برای خودتان و سبک من برای خودم
روش خودتان برای خودتان و روش خودم برای خودم
هر کس به روش خودش
هر کس سیِ خودش

این جبهه گیری را هر فرد مومنی بصورت فرادا در این دنیا باید انجام دهد. به همین خاطر عبارت (لِيَ دِينِ) به حالت مفرد آمده است. خدای مهربان برنامه ریزیها و حوادث این دنیا را برای هر فردی طوری چیده است و طوری مقدر کرده است که هیچکس نمی تواند تا ابد استایل واقعی خود را پنهان کند. بالاخره تمام انسانها روزی استایل مورد علاقه خود را انتخاب میکنند:

1. **روش و سبک زندگی به روش رحمانی**
2. **روش و سبک زندگی به روش غیر رحمانی**

۱۶. زشتی جسمانی انسانها بخاطر سبک زندگی و تغذیه غلط از نوع خوکی است. انسانها مثل خوک، زیاده روی و پرخوری میکنند و بعد بوسیله علوم جادویی سعی دارند که قرص لاغری بخورند که دوباره لاغر شوند و یا عمل کوچک کردن معده انجام می دهند.

۱۷. عملهای غیر ضروری جراحی زیبایی که فقط بخاطر تقلید از دیگران صورت می گیرد، انسانها را زیبا نمی کند؛ بلکه یک توهم در ذهن افراد بوجود میاورد که آن فرد خیال میکند زیبا شده است و غرور و تکبر را در او تزریق میکند. این افراد اصلا نمیدانند زیبایی چیست. مثلا کسی که از هر روشی دنبال بدست آوردن مادیات است، نمی داند نقش مادیات در زندگی و خوشبختی انسانها چیست. حتی کسانی که روشهای خوکی و میمونی را برای زندگی انتخاب میکنند، نمی دانند که زیبایی انسانها به زیبایی در پندار، کردار، گفتار است. توجه شود که وقتی از زیبایی صحبت می کنیم، منظور زیبایی صورت نیست و بلکه زیبایی یک مفهوم عمیق تر است که در قرآن به آن پرداخته شده است. مثلا در قرآن صبر یک واقعیت زیبایی بخش است که به آدمها و رفتار و کردارشان زیبایی می بخشد (صَبْرٌ جَمِيلٌ).

۱۸. انسانها باید از تمام چیزهایی که خواص میمونی و خوکی به آنها میدهد، دوری گزینند و گرنه زشت میشوند. آمار ازدواج خیلی پایین آمده و آمار طلاق هم خیلی بالارفته است؛ از این آمارهای غیر معمول مشخص میشود که روابط و عواطف بین افراد خیلی زشت شده است که این اتفاقات می افتد. و گرنه اگر دو زوج که با سبک و استایل رحمانی با هم باشند، حتی اگر هیچی هم نداشته باشند، از هم جدا نخواهند شد. آدمها از همدیگر فاصله گرفته اند و هر کدام در یک جهت مسخ شده اند و به همین خاطر برای هم قابل درک نیستند. خوکها تا وقتی غذا داشته باشند، از آن میخورند و ظاهرا کاری با هم ندارند؛ اما اگر غذا کم بیاورند، همدیگر را میخورند و حتی صاحبشان را هم میخورند. انسانهای مسخ شده هم در وقت

مضیقه و مشکلات مثل خوک و میمون رفتار میکنند که همدیگر را به نابودی می کشانند. ممکن است بعضی ها این حرفها را تند بحساب آورند. اما تمثیلات و آیات قرآنی واقعیتها را بیان میدارند و با کسی شوخی ندارند. حتی در مبحث روانی هم پرخوری مطرح است که در قسمت قبل مطرح شد. این نوع پرخوری بشدت احساسات و منطق انسانها و حتی قیافه انسانها را زشت خواهد کرد.

۱۹. شعرا در حیطه پرخوری روانی چیزهایی مثل زیر میگویند:

ساقی تا میتوانی بریز تا از غم و غصه دور شوم

ساقی کسی است که ورودی و خوراک برای افراد تهیه میکند. شعر نوعی پرخوری است. شعرا خواسته و یا ناخواسته افراد را به پرخوری روانی تشویق میکنند، تا آنان را از فهم صحیح دور کنند. خدای رحمان می فرماید که وقتی قرآن خوانده میشود، به آن گوش دهید و ساکت شوید تا روانتان سبک شود و مشمول رحمت خدا قرار گیرید.

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۲۰۴﴾

و چون قرآن خوانده شود گوش بدان فرا دارید و خاموش مانید امید که بر شما رحمت آید (۲۰۴)

در این آیه دو نکته مطرح است؛

۱- گوش دادن به قرآن
۲- خاموش ماندن در آن موقع (یعنی اجازه دخالت ورودیهای دیگر را ندهید)

این نکته مهمی برای درک قرآن است. وقتی قرآن گوش میدهید، فقط قرآن گوش کنید و اجازه دخالت ورودی ها و متون دیگر مثل حدیث و سنت و سایر کتابها را ندهید. ابتدا بدون هیچ واسطه ای بشنوید قرآن چی می فرماید. چند سال پیش با یکی بحث میکردم، می گفت که حدیث و سنت مهمتر از قرآن است. گفتم چرا؟ میگفت که چون حدیث و سنت حرف پیامبر است و قرآن حرف خدا است. حدیث و سنت درک پیامبر از قرآن است و پیامبر بهتر از ما قرآن را می فهمیده است، پس حدیث و سنت مهمتر است! این استدلال عجیب و شیطانی؛ نشان از اهمیت دخالت ندادن متون دیگر در کنار قرآن دارد. این فرد توضیح نمیداد که چرا پیامبر کتب حدیث و سنت را در زمان خودش جمع نکرده است و به دویست سال بعد موکول شده است. دویست سال زمان کمی نیست، خیلی از واقعیتها را میتوان تغییر داد. بیشتر موضوعات احادیث، نظریه مخالفش هم موجود است و حدیث و سنت یک متن با خصوصیات پرخوری و درهم خوری و ضرر خوری است.

البته میتوان بوسیله متون علمی و استدلالهای مختلف در آیات قرآن تدبر و تفقه کرد؛ کسی منکر این نیست. اما دخالت دادن آن بطوریکه آیات قرآنی به حاشیه رانده شوند، خیلی زشت است. درهم خوری یک خاصیت خوکی است. اجنه

مسلمان این نکته را خیلی خوب درک کرده بودند. آنان وقتی قرآن را برای اولین بار گوش می دادند، به همدیگر گوشزد میکردند که خاموش باشید (قَالُوا أَنْصِتُوا) **و اجازه دخالت ورودیهای دیگر را در فهم قرآن ندهید.**

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَى قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ ﴿٢٩﴾

و چون تنی چند از جن را به سوی تو روانه کردیم که قرآن را بشنوند پس چون بر آن حاضر شدند [به یکدیگر] گفتند گوش فرا دهید و چون به انجام رسید هشداردهنده به سوی قوم خود بازگشتند (۲۹)

اما کتاب شعر می گوید:

بشنو از نی چون حکایت میکند

برای کتاب شعر، فقط گوش دادن مطرح است و تا آنجایی که جا داشته است و توانسته اند، در کتابهای شعر پرخوری و درهم خوری اجرا شده است.

اکنون پرخوریهای روانی خیلی زیاد شده است. قبلا هر شهر یک دروازه داشت ولی اکنون به اندازه افراد، دروازه مجازی وجود دارد و ورودیها خیلی متنوع تر و بیشتر شده است و میتواند مشکلات جدی برای افراد بوجود آورد و آنان را به خوک و یا میمون مسخ کند. بنابراین بشر بیش از پیش به راهنمایی های قرآن نیاز دارد و شفای انسان فقط در کلمات قرآن است و بس.